



وعده‌های دولت روحانی از قماش وعده‌های دولت‌های گذشته است

صادق کار



می‌کند اما تاکنون نه تنها مشکلی از این معلمان حل نشده است، بلکه تعدادی از احکام اجرا نشده که در دوران احمدی‌نژاد صادر شده بودند، اجر شدند که این موضوع نیز در جلسه با آقای فانی طرح شد.

بهشتی لنگرودی در قسمت دیگری از این مصاحبه، به انتقادها به وزیر به خاطر دادن مسئولیت‌ها به کسانی که مرتبط با احمدی‌نژاد بوده‌اند، لغو تعطیلی پنج‌شنبه‌ها و طبقاتی شدن آموزش و پرورش اشاره می‌کند و می‌گوید: "همکاران در این جلسه با هشدار نسبت به طبقاتی شدن آموزش و مدارس، نگرانی‌شان را از شهریه‌های میلیونی مدارس غیرانتفاعی ابراز کردند".

این فعال صنفی که به خاطر پی‌گیری حقوق صنفی معلمان، جزء معلمانی است که در اردیبهشت ۸۹ بازداشت شده و مدتی را در زندان گذرانده، به همان اندازه که از عدم رسیدگی به مطالبات معیشتی معلمان شکایت دارد، از تفاوت فاحش میان مدارس دولتی و غیرانتفاعی نیز ناراحت است و می‌گوید: "کیفیت مدارس دولتی به شدت کاهش پیدا کرده است و مدارس غیرانتفاعی با شهریه‌های نجومی، دمار از روزگار مردم درمی‌آورند. در حالی که برخی کلاس‌های دولتی در روستاها در طویله برگزار می‌شوند، مدرسی داریم که برای ثبت‌نام دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی بیش از هفت میلیون تومان شهریه می‌گیرند.

محمود بهشتی لنگرودی، سخن‌گوی کانون صنفی معلمان ایران، در نهم دی‌ماه طی گفت‌وگویی با «ایلنا»، جزئیات جلسه‌ی تعدادی از تشکل‌های صنفی معلمان با علی‌اصغر فانی، وزیر آموزش و پرورش را که صبح شنبه هفتم تیر در محل وزارت آموزش و پرورش برگزار شد، تشریح کرده است.

بنا بر این گزارش، نمایندگان تشکل‌های حاضر در جلسه‌ی مذکور از عدم اجرای وعده‌های وزیر گله کرده‌اند. سخن‌گوی کانون صنفی معلمان به ایلنا گفت: "عمده صحبت‌هایی که در این جلسه مطرح شد، گله‌گذاری همکاران از وعده‌های عملی نشده‌ی آقای فانی بود". طبق گفته‌ی وی، وزیر آموزش و پرورش نه تنها به هیچ‌یک از وعده‌هایی که به سازمان معلمان داده، عمل نکرده، بلکه برخی از امتیازاتی مانند رایگان بودن هزینه‌ی چشم‌پزشکی و دندان‌پزشکی را که فرهنگیان از قبل در قالب «بیمه‌ی طلایی» از دولت پیشین گرفته بودند، حذف نموده.

در این جلسه، معلمان از فانی به خاطر این‌که برای آزاد کردن معلمان زندانی که قولش را داده بود، تلاشی نکرده و همچنین خلف وعده‌ی وزیر برای رسیدگی به وضعیت معلمانی که احکام تخلفات اداری برای‌شان صادر شده، انتقاد نمودند. سخن‌گوی کانون صنفی معلمان گفته است: "هیأت تخلفات اداری زیر نظر وزیر آموزش و پرورش عمل



دادن قول همکاری برای پیش‌برد برنامه‌ی رییس جمهور، آمده است:

"جناب‌عالی به طور مکرر و مؤکد در مناظره‌های تلویزیونی، سخنرانی‌ها، کنفرانس‌های مطبوعاتی و به خصوص در کتاب برنامه‌ی دولت تدبیر و امید صراحتاً اعلام نموده‌اید: به اصل کرامت انسانی و منبع تبعیض (ص ۱۱)، آزادی بیان و اجتماعات، ایستادگی در برابر ستم (صفحات ۱۱ و ۱۲)، آزادی‌های قانونی (آزادی اندیشه، بیان، نشر، فکر و قلم و...) (ص ۱۲)، اصل شایسته‌سالاری و شایسته‌گزینی پای‌بند هستیید (ص ۱۲)، جایگاه قانونی اتحادیه‌های صنفی را تقویت نموده (ص ۶۹)، حمایت از تشکلهای غیردولتی فعال را تشدید می‌کنید (ص ۷۱)، نگاه امنیتی به تشکلهای مدنی فعال و پدیده‌های اجتماعی را از میان برمی‌دارید (ص ۷۱)، برنامه‌های خود را با مشورت بخش‌های مدنی تنظیم و اجرا می‌نمایید (ص ۷۰)، به منظور بیان اعتراض‌ها و دیدگاه‌ها توسط احزاب، نهادهای صنفی و آحاد ملت، تجمعات و تظاهرات را نهادینه می‌کنید (ص ۱۳)، حقوق و آزادی تشکلهای جامعه‌ی مدنی را تضمین می‌نمایید تا این تشکلهای در حوزه‌های تخصصی خود با تشخیص مصادیق کردارهای فاسد، جامعه را مطلع ساخته و بر دولت فشار وارد کنند (ص ۱۸)، با جدیت به گسترش پوشش بیمه‌ای و قطع رابطه‌ی هزینه‌ی درمان با بیمار اقدام می‌کنید (ص ۳۶) و..."

فانی نیز درست مانند وزیر کار، در آغاز وزارتش جوری حرف می‌زد که گویا انتظار تشکلهای صنفی معلمان از او بی‌مورد نیست و او قصد اجرای وعده‌های روحانی در آموزش و پرورش را دارد. اما تنها چند ماه وقت لازم بود که سازمان‌های معلمان بفهمند تا آنجایی که به حقوق صنفی و رفاهی یک میلیون کارکنان بخش آموزش مربوط می‌شود، از نظر آقای وزیر، درب کماکان روی همان پاشنه‌ی سابق باید بچرخد و رویکرد دولت پیشین نسبت به مزد و حقوق‌بگیران آموزش و پرورش مورد تایید ایشان است و وعده‌های روحانی نیز از همان قماش وعده‌های دولت‌های گذشته‌اند.

وزیر آموزش و پرورش در واقع، مانند وزیر کار و بقیه‌ی وزرا و مسئولین، سیاست‌های راست‌گرایانه‌ی دولت را در حوزه‌ی مسئولیتش دنبال می‌کند.

بنابراین اگر در وزارت آموزش و پرورش همانند دولت پیشین، حق و حقوق معلمان را بر نمی‌تابند و به قول آقای بهشتی لنگرودی حتی سعی می‌کنند امتیازاتی مانند بیمه‌ی طلایی را که در واقع محصول اعتراضات و اعتصابات گذشته و تجمع ۱۲ هزار نفره‌ی سازماندهی شده‌ی معلمان در مقابل مجلس است، از محتوی خالی کنند، اگر وزیر متعهد به اجرای وعده‌های رییس جمهور و خودش نیست و حاضر به وساطت برای آزادی رهبران زندانی تشکلهای صنفی معلمان نیست، اگر ساعت کار معلمان افزایش پیدا می‌کند، اگر مدارس طبقاتی می‌شود و سهم فرزندان پول‌دارها مدارس شیک و مجهز و سهم فرزندان کارگران و

وزیر آموزش و پرورش در این جلسه، ظاهراً پاسخی به اعتراضات و انتقادهای متعدد تشکلهایی که در آغاز از دولت و وزیر آموزش و پرورش حمایت می‌کردند، ندارد و به همین جهت پاسخی که می‌دهد، عیناً شبیه پاسخ‌های وزرای پیشین است. سخن‌گوی کانون صنفی معلمان در مورد واکنش‌ها و پاسخ‌های فانی می‌گوید: "وقتی اعتراض شد که سئوال‌های طرح شده بی‌پاسخ مانده است، آقای فانی در باره‌ی دیدار تشکلهای صنفی معلمان با وزرای اطلاعات و کشور گفت: «اقدام می‌کنم» و در باره‌ی بیمه‌ی طلایی فرهنگیان عنوان کرد «مبلغی که شرکت بیمه‌ی ایران برای قرارداد جدید بیمه‌ی طلایی فرهنگیان می‌خواست، رقم بالایی بود و وزارت‌خانه از عهده‌ی پرداخت آن برنمی‌آمد. بنابراین قرار شد چشم‌پزشکی در قرارداد باشد اما دندان‌پزشکی از آن حذف شود".

بهشتی لنگرودی در پایان با اشاره به عبور گذرای وزیر آموزش و پرورش از موارد دیگر که مجدداً مورد اعتراض فعالان صنفی معلمان قرار گرفت، اظهار کرد: "این جلسه در نهایت با کدورت پایان یافت و وزیر با حالتی شبیه به قهر، جلسه را ترک کرد".

سازمان‌های صنفی معلمان از جمله تشکلهایی بودند که به دنبال وعده‌های پیش از انتخابات روحانی، به آن وعده‌ها دلخوش کردند و مانند بسیاری از نهادهای مدنی و صنفی و فعالین جنبش‌های اجتماعی که سال‌های متمادی در معرض پی‌گرد و سرکوب قرار داشتند، به این امید که روحانی گشایشی در فضای سیاسی مسدود شده ایجاد کند، از انتخاب او استقبال شایانی نمودند و جزو نخستین تشکلهایی بودند که برایش پیام تبریک فرستادند و ضمن آن، با اشاره به وعده‌های روحانی، خواستار اجرای آن‌ها شدند. اکثر سازمان‌های معلمان به هنگام کشاکش بر سر انتخاب اصغر فانی بین محافظه‌کاران افراطی و دولت، جانب دولت را گرفتند و عطف به سوابق اصلاح‌طلبانه‌ی فانی، از وزیر شدن او حمایت کردند و انتظار داشتند که رفتار وزیر با معلمان و سازمان‌های صنفی‌شان بنا بر وعده‌هایی که روحانی داده بود، متفاوت با وزیر پیشین باشد.

پس از شروع به کار فانی، نمایندگان این تشکلهای بدون غفلت، با جدیت مطالبات‌شان را پی‌گیری کردند و از وزیر خواستند که به وعده‌های دولت عمل کند. فانی نیز برای مدتی مرتب قول پی‌گیری می‌داد، اما از اقدام خبری نبود. دو ماه پیش سخن‌گوی کانون صنفی معلمان که دست وزیر را خوانده بود، طی یک مصاحبه، لحن پیشین صحبتش با وزیر و دولت را کنار نهاد و انتقادات از آن‌ها را شروع کرد.

در بخشی از پیام تبریک تشکلهای معلمان به روحانی که با امضای «شورای مرکزی تشکلهای صنفی فرهنگیان کشور»، پس از رییس جمهور شدن روحانی منتشر شد، پس از توصیف شرایط اسفبار آموزش و پرورش و معلمان و



کارگری حمایت از شرایط کار و بهبود این شرایط و دیگر موضوعات کارگری از طریق قراردادهای دسته جمعی بوده است. در سیستم‌های دیگر، اتحادیه‌ی کارگری رسالت بزرگتری داشته است: جنگ با سرمایه‌داری یا حتی به زیر کشیدن آن. همچنین در حالی که در برخی سنن، سیاست یکی از مؤثرترین سلاح‌های اتحادیه‌های کارگری برای حمایت از طبقه‌ی کارگر بوده، در سیستم‌های دیگر سیاست یکی از خطرناک‌ترین فعالیت‌ها برای اتحادیه‌های کارگری و غالباً برای آنها ممنوع بوده است.

نگاهی به تاریخ کار در ترکیه، سلطه‌ی سنت دوم را در این کشور آشکار می‌کند. تمام قوانینی که در خلال بیش از یک قرن برای سامان دادن به فعالیت‌های اتحادیه‌های کارگری وضع شده‌اند، عرصه‌ی سیاست را عرصه‌ای نامطلوب برای آنها دانسته‌اند. نوشته‌ی حاضر مروری دارد بر قوانین مربوطه تا دلایل سلطه‌ی رویکرد مذکور را بیابد. این مرور شامل قانون مصوب ۱۹۰۹، نخستین قانون کار ترکیه (۱۹۳۶)، قوانین ۱۹۴۷، ۱۹۶۳، ۱۹۸۳ و ۲۰۱۲ است.

۱. چرا اتحادیه‌های کارگری به وجود آمدند؟

پاسخ این سؤال ساده به نظر می‌رسد، اما چنین نیست؛ زیرا هر پاره یا کشوری در جهان، سنن سیاسی، عادات اداری و رفتارهای فرهنگی خاص خودش را دارد. این نکته حتی در مورد نقاط مختلف یک کشور واحد هم صادق است. این سؤال که "چرا دستاوردهای بعضی از بخش‌های جهان بزرگتر از دیگر بخش‌هاست؟" موجب مباحثات تاریخی پر دامنه‌ای شده و بوده است. سئوالات زیر تنها معدودی سؤال مستخرج از آن سؤال کلیدی‌اند:

- توسعه‌ی سرمایه‌داری در بخش‌های مختلف جهان کاملاً نامتقارن بوده است. چرا؟
- چرا بعضی از ساختارهای سیاسی در برابر پارادایم‌های مختلف عمیقاً منعطف‌اند، در حالی که بعضی دیگر در برابر "غیریت" (دیگربودگی) بسیار نامنعطف‌اند؟
- نیز این که چرا رژیم‌های سیاسی معینی، مثل اتوکراسی و فاشیسم، در برخی کشورها ساده‌تر جاپا می‌یابند؟

یکی از برجسته‌ترین کارهایی که می‌کوشد پاسخ‌هایی را برای این سئوالات فراهم آورد، "مبانی اجتماعی دیکتاتوری و دموکراسی"، اثر باریتون مور (Barrington Moor) است؛ کتابی کلاسیک در جامعه‌شناسی تاریخی که به خلق آثار آکادمیک بسیاری در این باره الهام بخشید. مور در توضیح ساختارهای سیاسی از دینامیسم، مبانی و پتانسیل‌های درونی اجتماعی مدد می‌گیرد. بر این اساس وحدانیت هر جامعه به مبانی اجتماعی خاص خود وابسته است. یکی از کتاب‌های متأثر از کار مور، که چندی پیش به ترکی انتشار یافت (۲۰۱۱)، "مدرنیزاسیون میلیتاریستی در آلمان، ژاپن و ترکیه" نوشته‌ی بلگه (Belge) است.

روستانشینان درس خواندن در طویله است، اگر سهم رسول بداقی‌ها و رضا شهبابی‌ها و... زندان است و سهم محبوب‌ها کرسی مجلس، دلیل دیگری جز این‌ها همه از تبعات سیاست است و توقع دیگری از این دولت داشتن، بی‌جاست، ندارد.

عین همین شکایت معلمان را کارگران از دولت و وزیر کارش دارند. همین یک هفته پیش یکی از کارگران پارس جنوبی که به قول خودش یک سال پیش برای وزیر شدن ریبیعی "برنامه‌ی تکبیر" راه انداخته بود، مشابه همین انتقادات سخن‌گوی کانون صنفی معلمان را از ریبیعی و دولت ابراز نمود.

آری دولت، داوطلبانه، نه حاضر می‌شود به مطالبات کارگران و معلمان و سایر مزدبگیران گردن بنهد، نه تشکلهای مستقل و واقعی کارگری را تحمل کند و حق و حقوق‌شان را ببذیرد، و نه همان‌طور که تجربه‌ی کانون صنفی معلمان نیز نشان داده، حاضر است بدون اعمال فشار برای آزادی رسول بداقی و سایر رهبران تشکلهای معلمان، حتی وساطت کند. دولت کانون صنفی معلمان را تحمل نمی‌کند، چون تشکلی است که حاضر نشده دست از پی‌گیری حقوق اعضایش بردارد.

دلیل در زندان نگه داشتن و مجازات شدیدی که برای رهبران این تشکل در نظر گرفته شده نیز چیزی غیر از این نیست. وزیر آموزش و پرورش از چنین کانون‌هایی خوشش نمی‌آید، اگر تا حالا با رهبران آن نشست و برخاست داشته، به خاطر آن بوده که می‌خواسته آن را مانند خانه‌ی کارگر، به تشکلی در خدمت سیاست دولت تبدیل کند. الان نیز تشکلهای معلمان با خوداتکایی و تقویت تشکلهای صنفی‌شان و همکاری با یک‌دیگر و با تشکلهای کارگری راحت‌تر می‌توانند به مطالبات‌شان برسند

از تجربه‌ی دیگران:

درک مناسبات میان اتحادیه‌های کارگری و سیاست در ترکیه

بخش اول

نوشته فوات مان

چکیده

اتحادیه‌های کارگری در ترکیه، کشوری که طبق تقسیم‌بندی امانوئل والرستاین خارج از «مرکز» قرار دارد، در قیاس با کشورهای «مرکزی» خاصه در قیاس با انگلستان، بسیار دیر پا به عرصه‌ی وجود نهادند و رشد کردند. این قابل فهم است که هر کشوری از سنن و رویکرد فرهنگی خاصی در مناسبات کارگری برخوردار باشد. از این رو می‌توان چندین رویکرد (و سنت) را در تاریخ مناسبات صنعتی ردگیری کرد. در برخی از سیستم‌های مناسبات صنعتی، علت وجودی اتحادیه‌های



کارل مارکس تنها کسی نبود که علیه اقتصاد سرمایه‌داری و فرم‌اسیون اجتماعی آن به مبارزه دست زد. اما انتقاد او [از این فرم‌اسیون] راه یکی از پرنفوذترین سیستم‌های فکری و کنش‌گری تا حال حاضر را، عیله سیستم اقتصادی جاری هموار کرد. با دیدن شرایط غم‌بار طبقه کارگر، تلقی از انقلاب به عنوان سلاحی برای غلبه بر فرم‌اسیون سرمایه‌داری کار دشواری نبود.

مارکس در نوشته‌هایش انبوهی داده را از شرایط حیات مردم زمان خویش عرضه کرد. اما یکی از مؤثرترین آثار که تصویری غنی و عمیق از شرایط کار و زندگی طبقه کارگر را ترسیم می‌کند، کتاب "وضع طبقه کارگر در انگلستان در ۱۸۴۴" است که توسط دوست نزدیک مارکس، فردریک انگلس، نوشته شد. محتوای غنی این کتاب شرایط زندگی طبقه کارگر را روشن می‌کند. توصیف زیر از شهر ادینبورگ تنها یکی از نمونه‌های متعدد مندرج در کتاب است:



PENGUIN CLASSICS

FRIEDRICH ENGELS

The Condition of the Working Class in England

عکس روی جلد یکی از چاپ‌های کتاب "وضع طبقه کارگر در انگلیس در ۱۸۴۴"

"پیش‌تر از این، او هرگز این همه مرارت را، که در اهالی محله کنونی‌اش می‌دید، در جای دیگری ندیده بود. مردم بدون هرگونه اسباب و اثاثیه یا هر نوع دارایی دیگر، زوج‌های جوانی که چهار نفره بایست در یک اتاق زندگی کنند... او در یک روز از هفت خانه بازدید کرده بود، که در هیچ‌کدامشان زیرانداز و رواندازی برای خواب وجود نداشت؛ حتی از نی. سالمندانی ۸۰ ساله بر زمین لخت خوابیده بودند، تقریباً همگی‌شان در همان "یک دست لباسی" که داشتند و در روز هم می‌پوشیدند.

در یک اتاق سلول مانند دو خانواده از اسکاتلند را دیده بود که دو تا از فرزندان‌شان، بلافاصله پس از ورود به شهر، مرده بودند و در زمان دیدار او از آنها، سومین فرزند نیز در حال مرگ بود. هر خانواده تنها یک زیرانداز فرسوده از نی داشت که در گوشه‌ای بر آن دراز می‌کشید. این سلول ماواوی یک الاغ در کنار دو خانواده نیز بود. اتاق در روز روشن هم چندان تاریک بود که تشخیص آدمی از آدم دیگر در آن غیرممکن بود. دکتر لی می‌گفت که دیدن این همه فقر در جایی چون اسکاتلند، برای آن که خون آدمی را در قلب بخشکاند، کافی است."

کتاب انگلس سرشار از نمونه‌های فوق است. برای خواننده‌ی امروزی بسیار دشوار است که توصیف‌های انگلس را باور کند. اما در مقدمه‌ای که مورخ نامدار، اریک هابسباوم (Erick Hobsbawm) در سال ۲۰۰۵ برای کتاب انگلس نوشت، آن را به عنوان مهم‌ترین کتاب اواسط قرن نوزده در باره‌ی تاریخ کاروکارگری معرفی کرد. در کتاب «سرمایه» صحنه‌های متعددی از فقر طبقه کارگر ترسیم می‌شوند.

مارکس اطلاعات زیر را به نقل از دکتر امبلتون، از کارکنان بیمارستان شهر نیوکاسل، در کتاب خود آورده است:

این کتاب نیز رویکرد مشابهی به موضوع دارد، اما به تحلیل موارد بیشتری از جمله ترکیه و یونان نیز دست می‌یازد. دلیل اشاره به کتاب‌های فوق‌الذکر تصریح این نکته است که هر سنت منشآت درونی خود را دارد و بنابراین سنت‌های اتحادیه‌های کارگری در ترکیه نیز باید به همان طریق درک شوند. من در ادامه می‌گویم مبنای این سنت‌ها را [در ترکیه] توضیح دهم، اما ابتدا لازم است گذری کوتاه به منشآت اتحادیه‌های کارگری به طور کلی داشته باشیم.

همچنان که پیداست، منشأ و "برجسب" اتحادیه‌های کارگری از "حرفه" (یا صنف) گرفته شده است. حرفه را "شغل خاصی که برای انجام آن مهارت یدی معینی لازم است" تعریف کرده‌اند. از این رو نامی که در زبان انگلیسی برای اتحادیه‌های کارگری استفاده شده، مبین نوعی شغل و افرادی است که به آن اشتغال دارند (توضیح: در انگلیسی به اتحادیه کارگری Trade Union گفته می‌شود، که trade به معنای حرفه، صنف، ... نیز هست). این وظیفه‌ی انضمامی اتحادیه‌ها که از حقوق اعضای‌شان دفاع کنند، تنها پس از انقلاب صنعتی و خاصه در قرن نوزدهم شیوع یافت. مورخ نامدار بریتانیایی، ای.پی. تامپسون (E.P. Thompson) نشان می‌دهد که ظهور نخستین اتحادیه‌های کارگری به اوائل قرن هیجده برمی‌گردد. اما شرایط برای اتحادیه‌ها در قرن نوزدهم قدری نرم‌تر شد.



آمازون حدود هفت هزار تن را در بریتانیا در استخدام دارد که بخش اعظم آنها مشاغل انبارداری با دستمزد حداقلی اند.

اتحادیه‌های سراسری وردی از آلمان، س.ژ.ت. از فرانسه و جی.ام.بی. از بریتانیا، همگی‌شان آمازون را نمونه‌ی پیشاهنگی از نسل جدید و قدرت‌مند کارفرمایان در عرصه‌ی تجارت الکترونیکی می‌دانند که نیروی کار غیرماهر، آنان را تهدید می‌کند.

اخیراً کارگران برخی از انبارهای شرکت آمازون در فرانسه دست به رشته اعتصاب زدند. پیش‌تر از این در اوائل سال جاری هم بسیاری از هم‌تایان آنها در آلمان به اکسیون‌های اعتراضی روی آورده بودند و اکنون در انتظار دیدار با مدیران آمازون‌اند تا مبتنی بر نتایج آن، حرکت بعدی‌شان را تعیین کنند.

جی.ام.بی. در بریتانیا هنوز مشغول عضوگیری در شرکت آمازون است و از مدیریت آن خواسته است که امکان "دسترسی صادقانه و بدون محدودیت" به سایت‌های آمازون را برای آن فراهم آورد، تا بتواند در مورد پیوستن به معترضان در آلمان و فرانسه، مبتنی بر داده‌های قابل اتکا، تصمیم بگیرد.

سه اتحادیه‌ی نامبرده اعلام کرده‌اند که در دیدار برلین، استراتژی مبارزاتی مشترکی را پایه خواهند ریخت. این استراتژی از جمله موضوع نظام مالیاتی اروپایی را که شرکت آمازون از آن تبعیت می‌کند، برخورد جمعی به دستمزدهای پایین و پیوند میان این دو موضوع را شامل خواهد شد.

برخی از رهبران اتحادیه‌ها بر این نظرند که قدرت خرید کارگران کم‌دستمزد وابستگی شدیدی به مزایای شغلی دارد، و این مزایا در اساس از محل سوبسیدهای دولتی تأمین می‌شوند. این رهبران معتقدند جامعه مایل نیست که این سوبسیدها به جانب شرکت‌های چندملیتی موفقی سرازیر شوند که از پرداخت سهم عادلانه‌ی مالیات شانه خالی می‌کنند.

شرکت آمازون در گذشته به اتخاذ تاکتیک‌های تعرضی ضد

"تردید کمی می‌توان داشت که علت اصلی ادامگی تیفوس و شیوع آن، تراکم مفرط مردم و کثافت آلودگی‌های آنان بوده است. اتاق‌هایی که غالباً کارگران در آنها زندگی می‌کنند، در حیاط‌ها و محوطه‌های محدود، کثیف و ناسالم قرار دارند. فضا، نور، هوا و طهارت در آنها مطلقاً ناکافی و ناسالم‌اند. اینها ننگی برای هر جامعه‌ی متمدن‌اند. شب‌ها در آنها انبوهی از زنان، مردان و کودکان در هم فرومی‌روند. مردان شیفت شب جای‌شان را به مردان شیفت روز می‌دهند و برعکس، و این تعویض بدون انقطاع جریان دارد. رختخواب‌ها کمتر سرد می‌شوند. خانه‌ها از آب بهره‌ی کمی دارند و مستراح‌ها به شدت کثیف، بدون تهویه و آزاردهنده‌اند."

دلیل نقل این عبارات بلند، یادآوری مجدد شرایط اجتماعی در اروپای پیش از انقلاب صنعتی است. تحت شرایط وحشیانه‌ی سرمایه‌داری، فکر اتحاد و اقداماتی که هدف‌شان نیل به اتحادیه است، دیرپاب نیستند. نخستین نوع اتحادیه‌های کارگری انجمن‌هایی بودند که توسط کارگران ماهر و صنعت‌گران بنا شدند (اسکوزینسکی، ۲۰۰۹): "بازرگانان کالاهایی را تجارت می‌کردند که توسط کارگران ماهر و صنعت‌گران تولید می‌شدند.

این کارگران ماهر خیلی زود برای خودشان انجمن‌هایی تشکیل دادند. انجمن‌های صنعت‌گران در مورد قیمت‌ها، کیفیت و میزان کالایی که بایست تولید می‌کردند، تصمیم می‌گرفتند. بافندگان، رنگرزان، آهن‌گران، حلبی‌سازان، زرگران، شیشه‌گران و بسیاری دیگر از کارگران ماهر، دست به تأسیس انجمن‌هایی برای خود زدند. آنها خود را "اهل صنف" می‌نامیدند. آنها در محلی مخصوص تجمع اصناف گرد هم می‌آمدند. اعضای این صنوف به فراخور تجربه‌شان به استاد، کارگر ماهر و شاگرد تقسیم می‌شدند."

📖 اخبار خارجی:

اروپا

بررسی اعتلای شرکت آمازون در اروپا توسط رهبران اتحادیه‌ها

گاردین، ۲ جولای ۲۰۱۴

رهبران اتحادیه‌های سراسری آلمان، بریتانیا و فرانسه، امروز چهارشنبه ۲ جولای، در برلین گرد هم آمدند تا علل و عواقب اعتلای شرکت آمازون در اروپا را بررسی کنند، و در این باره که چگونه در موضوعاتی چون امنیت شغلی، شرایط کار در انبارهای شرکت و دستمزدهای پایین کارگران این فروشنده‌ی آنلاین با آن مواجه شوند، به تبادل نظر بپردازند.



اتحادیه‌ای در میلتون کینز - یکی از اولین مراکز فروش خود در بریتانیا، متهم شده است.

رهبران اتحادیه‌ها در مقابل یک کمیسیون تحقیق پارلمانی شهادت دادند که در سال ۲۰۰۱ "اتحادیه‌ی کارهای گرافیک و رسانه‌ی ای"، که در صدد فعالیت و عضوگیری در آن مرکز بود، به علت کارزار ضد اتحادیه‌ای مدیریت آمازون در رأیگیری انجام یافته در بین کارکنان آن مرکز شکست خورد. آمازون تی-شرت‌هایی را در میان کارگران توزیع کرده بود که شعارهای "به اتحادیه حالی کنید که دیروز گذشته است" و "نه به اتحادیه" بر روی آنها نوشته شده بودند.

ترابری" از ساعت ۲۰:۰۰ روز سه‌شنبه ۱ جولای تا ۱۹:۵۹ روز ۹ جولای در اعتصاب خواهند بود. اتحادیه‌ی کارکنان راه‌آهن، کشتی‌رانی و ترابری، مناقشات جاری بین کارکنان و مدیریت را حمله‌ای همه‌جانبه به کارکنان بخش کنترل برق نامید.

مقامات متروی لندن اعلام کرده‌اند که اعتصاب عواقب بیرونی نخواهد داشت.

بی‌مسئولیتی مدیریت

این مناقشه‌ی جدید متوجه کارگرانی است که سال‌ها پیش به سازمان‌های دیگری منتقل شده بودند و حال تحت مدیریت متروی لندن اما با شرایط کاری متفاوتی به این سازمان برگردانده شده‌اند.

میک‌کش، دبیرکل اتحادیه‌ی مذکور می‌گوید: "این کارکنان شبکه‌ای ملی و اساسی برای متروی لندن‌اند. اعتصاب عواقب جدی‌ای برای کار مترو خواهد داشت، اما مدیریت به قطع مذاکرات دست زد و با این اقدام ما را ناگزیر به این اعتصاب کرد."

یکی از سخن‌گویان "اتحاد" می‌گوید: "رفت‌وآمد مسافران در روزهای اعتصاب، در اثر بی‌مسئولیتی مدیریت، دست‌خوش اختلالات بسیاری خواهد شد."

کارگران مسئول توزیع برق در کل شبکه‌ی مترو، برای هموار کردن راه مذاکره، از دست زدن به اعتصابی که پیش‌تر در نظر داشتند، اعلام انصراف کردند. البته رهبران اتحادیه‌ها می‌گویند که این اعتصاب سرکوب شد.

ریچارد جونز، رئیس اتاق فرمان و کنترل متروی لندن از اتحادیه‌ها خواسته است که "به عوض تهدید به اقدامات اعتراضی" به مباحثه ادامه دهند.

او می‌گوید: "بر اساس طرح‌های مفصلی که آماده کرده‌ایم، اعتصاب اگر هم ادامه یابد تأثیر مشهودی بر شبکه به بار نخواهد آورد."

رهبران اتحادیه‌ها همچنین شهادت دادند که مدیریت آمازون پیش از رأیگیری مصاحبه‌هایی را با تک‌تک کارگران و جلساتی را با گروه‌هایی از آنان برگزار کرده و از آنان خواسته است توضیح دهند به چه دلیل اتحادیه می‌خواهند. همچنین از این که آیا آنان از دیدگاه‌های آمازون نسبت به عضویت در اتحادیه آگاه‌اند یا نه، پرس‌وجو کرده بوده است. علاوه بر این همه شرکت دست به توزیع یک نمونه برگه رأی زده بوده تا مشخص کند کارگران چگونه "باید" آن را پر کنند. آمازون این اتهامات را رد می‌کند.

آمازون، این فروشنده‌ی آنلاین، اکنون حدود هفت هزار کارکن در بریتانیا دارد، که بخش اعظم آنان کارگران کم‌دستمزد انبارهای آن‌اند. آمازون می‌گوید که ۵۸۰۰ تن از این عده در استخدام دائم‌اند و دستمزدی برابر ۱/۷ پوند در ساعت، که حداقل دستمزد قانونی در بریتانیاست، دریافت می‌کنند.

مدیریت این شرکت همچنین اعلام می‌کند که دستمزد کارگران موقت آن در ۱۲ هفته‌ی اول شروع به کار معادل ۹۰ درصد دستمزد کارگران دائم است و پس از ۱۲ هفته، آنان نیز از همان دستمزد کارگران دائمی برخوردار می‌شوند.

بریتانیا

اعلام اعتصاب هشت روزه کارکنان کنترل برق متروی لندن

بی‌بی‌سی، سه‌شنبه ۱ جولای ۲۰۱۴

کارکنان بخش کنترل برق متروی لندن به دنبال مذاکرات نافرجامی که با مدیریت مترو در مورد شرایط کار و بازنشستگی داشتند، خبر از دست زدن به اعتصابی هشت روزه دادند.

اعضای اتحادیه‌های "اتحاد"، "انجمن کارکنان حقوق‌بگیر بخش ترابری" و "اتحادیه‌ی کارکنان راه‌آهن، کشتی‌رانی و



بریتانیا

همراهی کارگران خدمات شهری به اعتصاب روز ۱۰ جولای

گاردین، چهارشنبه ۲ جولای ۲۰۱۴



لندن، سال ۲۰۰۴: تظاهرات "اتحادیه‌ی خدمات عمومی و تجاری" در اعتراض به سیاست‌های ریاضتی ۲۰۰۴

کارگران خدمات شهری به حمایت از اعتصاب بزرگ پنج‌شنبه‌ی هفته‌ی آینده، ۱۰ جولای، در بخش دولتی رأی دادند و در این روز به اعتصاب خواهند پیوست.

اعضای «اتحادیه‌ی خدمات عمومی و تجاری»، سه به یک، به دست کشیدن از کار در روز ۱۰ جولای و مشارکت در اقدامات مورد نظر در این روز رأی دادند.

کارگران شهرداری‌ها و معلمان پیش‌تر از این اعلام کرده‌اند که در روز ۱۰ جولای دست به اعتصاب خواهند زد. انتظار می‌رود که این بزرگ‌ترین تظاهرات برای افزایش دستمزدها باشد که دولت حاضر از پس از رسیدن به قدرت با آن مواجه خواهد شد.

اتحادیه‌ی مذکور دارای "اختیار اقدام" است که مذاکره با مدیریت را در موضوعات دستمزد، بازنشستگی، امنیت شغلی و خصوصی‌سازی پوشش می‌دهد. اما در یک نظرخواهی مشورتی در میان اعضا، از هر چهار عضو اتحادیه، سه تن به اعتصاب در همبستگی با دیگران رأی دادند.

اتحادیه‌ی خدمات عمومی و تجاری، علاوه بر اقداماتی که در هم‌آهنگی با دیگر اتحادیه‌ها صورت خواهد داد، اقدام مستقلی را نیز طراحی کرده است؛ کارزاری دائمی در میان کارمندان دولت برای ایجاد صندوقی برای تأمین هزینه‌های اکسیژن‌های جدید. اتحادیه اعضایش را به پرداخت کمک مالی داوطلبانه به این صندوق فراخوانده است.

تصمیم برای پیوستن به اعتصاب روز ۱۰ جولای، از بحران پیش آمده در "اداره‌ی گذرنامه" تأثیر پذیرفته است. رهبران اتحادیه می‌گویند که این بحران عواقب برنامه‌ی ریاضتی بستن دفاتر اداره‌ی گذرنامه و اخراج کارگران آن را آشکار کرده است.

صورت هزینه‌ها و درآمدها، چنان که سایت اتحادیه اقدام به محاسبه‌ی آنها کرده است، نشان می‌دهد که سیاست دستمزد و بازنشستگی دولت، از زمان انجماد دستمزدها، منجر به کاهش ۲۰ درصدی درآمد واقعی کارگران دولتی شده است.

دبیرکل اتحادیه، مارک سروتکا، می‌گوید: "هیئت وزیران کارگران را به خاطر کار سختی که به عهده دارند، می‌ستایند. اما هم‌زمان استانداردهای زندگی آنان را نازل می‌دهند. کارگران بخش دولتی به عوض حرف‌های قشنگ نیازمند دستمزد بیشتراند.

"سیاست‌مداران احزاب مختلف با تکرار این دروغ که کفگیر به ته دیگ خورده است، بر سیاست ریاضتی انجماد دستمزدها صحنه می‌گذرانند و این در حالی است که میزان درآمد خانوار به پایین‌ترین سطح در ده‌سال گذشته سقوط کرده است. روشن است که در چنین اوضاع و احوالی هیچ‌کس ادعای بهبود اقتصاد را باور نکند."

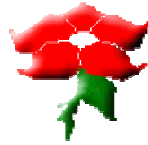
اخبار داخلی:

تجمع کارگران کارخانه‌ی «تبریزکف» مقابل فرمانداری مرند



کارگران کارخانه‌ی «تبریزکف» که ماه‌هاست حقوق و مزایای‌شان پرداخت نشده است، در مقابل فرمانداری مرند تجمع کردند.

این اولین بار نیست که کارگران کارخانه‌ی تبریزکف اقدام به تجمع اعتراضی می‌کنند. این کارگران طی ماه‌های گذشته بارها در اعتراض به حقوق معوقه‌شان دست به تجمع در مقابل اداره‌ی کار آذربایجان شرقی، استانداری آذربایجان شرقی و فرمانداری مرند زده‌اند.



به فرمانداری و استانداری مشکلات را انعکاس داده‌ایم و سه روز در شهرداری لوشان تجمع کرده‌ایم اما مسئولان شهرستان، استان و شورا یک بار نپرسیدند درد شما چیست؟ از فرمانداری و استانداری هم نیامدند پرسند شما چه مشکلی دارید.

وی اضافه کرد: اگر یک مسئول یک ماه حقوق نگیرد، سرکار نمی‌رود، اگر یک مسئول حقوق نگیرد و نان سر سفره نداشته باشد خانواده‌ی آنها چه برخوردی با او خواهند کرد، با این شرایط یک‌بار خود را جای کارگران ببینند.

این کارگر شهرداری ضمن بیان این‌که ناوایی‌های شهر لوشان نیز دیگر نان نسیه هم به ما نمی‌دهند، گفت: برخی از کارگران مستاجر هستند و ماه‌ها اجاره خانه پرداخت نکرده‌اند و صاحب‌خانه‌ها می‌خواهند اثاثیه‌ی منزل را به خیابان بیاندازند.

وی تصریح نمود: برخی از کارگران از دی ماه و برخی نیز قبل از آن تاکنون حقوق دریافت نکرده‌اند، پول بیمه پرسنل هم واریز نشده و بازنشستگان شهرداری نیز هنوز سنوات نگرفته‌اند.

این نماینده‌ی کارگران و پرسنل شهرداری، از بی‌توجهی مسئولان شهرستان نسبت به تجمع سه روزه‌ی کارگران ابراز گلایه کرد و گفت: شورای شهر حتی یک‌بار نیامد از کارگران بپرسد مشکل شما چیست. موقع رأی گرفتن کارگران خوب بودند اما الان می‌گویند به ما مربوط نیست.

وی متذکر شد: شش ماه کار کنیم حقوق نگیریم، حرف بد بشویم و به داد ما هم کسی نرسد.

تجمع کارگران بازنشسته‌ی شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

حدود ۱۰۰ کارگر شرکت واحد که سال ۹۱ بازنشسته شده‌اند، سه‌شنبه ۱۰ تیرمقابل دفتر مدیرعامل این شرکت واقع در خیابان هنگام تجمع کردند.

در همین رابطه، یکی از کارگران با اشاره به افزایش ۱۸ درصدی دستمزد کارگران در سال ۹۱ به خبرنگار ایلنا گفت: تجمع کنندگان به افزایش نیافتن حقوق‌شان بر اساس مصوبه‌ی مزدی سال ۹۱ شورای عالی کار پیش از آن‌که در همان سال بازنشسته شوند، معترض‌اند.

وی مدعی شد: این کارگران بین ۳ تا ۹ ماه در سال ۹۱ مشغول به کار بودند اما در آن برهه‌ی زمانی بر اساس مزد ۹۰ حقوق دریافت کرده و با همان حقوق نیز بازنشسته شده‌اند.

شرکت تبریزکف بعنوان یک شرکت خصوصی در سال ۱۳۶۳ با هدف تولید سرامیک کف تاسیس گردید. کارخانه‌ی تبریزکف در شهرستان مرند استان آذربایجان شرقی بنا شده و مجهز به مدرن‌ترین خط تولید ماشین آلات ایتالیایی می‌باشد.

کارفرمای این واحد تولیدی خود از بزرگان اتاق بازرگانی تبریز و کشور است.

ناوایی‌های شهر لوشان دیگر نان نسیه به کارگران نمی‌دهند

تجمع کارگران شهرداری لوشان



جمعی از کارگران و پرسنل شهرداری لوشان به دلیل عدم دریافت حقوق شش ماهه‌ی خود در شهرداری لوشان دست به تجمع زدند.

به گزارش ۱۱ تیر «زیتون‌خبر»، نماینده‌ی کارگران و پرسنل شهرداری لوشان، در گفت‌وگویی با این خبرنگاری گفت: امروز سومین روزی است که قریب به ۷۵ تن از نیروهای خدمات شهر، نقلیه، آتش‌نشانی، فضای سبز، اداری و... شاغل در شهرداری لوشان به دلیل دریافت نکردن حقوق شش ماهه‌ی خود، در محوطه‌ی شهرداری لوشان دست به تجمع می‌زنند.

وی ادامه داد: این کارگران و پرسنل به دلیل دریافت نکردن حقوق معوقه‌ی خود در ماه مبارک رمضان، حتی قدرت خرید یک نان برای سفره‌ی سحر و افطار خود ندارند.

این نماینده‌ی کارگران و پرسنل شهرداری لوشان، ابراز نمود:



رکود بازار کار در واحدهای تولیدی

هنوز سیاست‌های دولت یازدهم بر رفع موانع تولید و اشتغال عملیاتی نشده است. چنگیز اصلانی دبیر خانه کارگر همدان، با بیان این‌که بعد از گذشت حدود یک‌سال از آغاز فعالیت دولت یازدهم، هنوز تعداد زیادی از واحدها به دلیل ناتوانی اقتصادی فعالیت رقابتی ندارند، به ایلنا گفت: تعداد زیادی از واحدهای تولیدی که در دولت‌های گذشته به علت مشکلات تأمین مواد اولیه، کمبود نقدینگی، مالیات سنگین، قوانین و بخش‌نامه‌های غیرکارشناسی دستگاه‌های اجرایی، فعالیت تولیدی آنان دچار رکود شده و تعطیل شده‌اند با آغاز فعالیت دولت جدید انتظار داشتند، سریعاً به مشکلات آنان رسیدگی شود.

به گفته وی در استان همدان هنوز شاهد رونق واحدهای تولیدی که به نحوی دچار مشکلات تولید شده‌اند، نیستیم و وعده‌های دولت در خصوص ایجاد فضای کسب و کار و رفع موانع تولید هنوز عملیاتی نشده است. این فعال کارگری همچنین تصریح کرد: یکی دیگر از معضلات واحدهای تولیدی که گریبان‌گیر کارگران است، تاخیر در پرداخت حقوق است به طوری که کمتر واحد تولیدی‌ای پیدا می‌شود که کارگران آن حقوق معوقه نداشته باشند.

کارگران پروفیل ساوه با دو دست‌آورد دیگر

اتحادیه‌ی آزاد کارگران ایران :



کارگران «نورد پروفیل» ساوه طبق توافق‌نامه‌ای که هشتم تیرماه با کارفرما در میان گذاشته بودند، یک ماه از حقوق‌های معوقه‌ی خود را دریافت کردند. همچنین بیش از ۲۶ تن از کارگرانی که فرم‌های کارهای سخت و زیان‌آور را پر کرده و بیش از ۲۰ سال سابقه داشته و از طرف بازرسی کار مورد موافقت قرار گرفته

بودند، پس از واريز چهار درصد هزینه‌ی این طرح از طرف کارفرما به سازمان تأمین اجتماعی، مشمول این طرح شده و بازنشست شدند.

اما هنوز تعداد زیادی از کارگران (از جمله شاپور احسانی‌راد) که شش سال پیش به خاطر تمکین نکردن کارفرما از این قانون (بازنشستگی ۲۰ ساله‌ی کارهای سخت و زیان‌آور) اعتصاب کردند، به دلیل کارشکنی کارفرمای پروفیل و اداره‌ی کار ساوه، از مزایای این طرح محروم هستند و به پرونده‌ی شکایت آن‌ها رسیدگی نمی‌شود. لازم به ذکر است در تجمع اعتراضی کارگران در مقابل فرمانداری، تعداد زیادی از کارگران که شش سال پیش به ناحق اخراج شده بودند، شرکت داشتند و خواهان رسیدگی به مطالبات خود بودند.

کارگران میخ‌سازی یزد ۹ ماه بدون حقوق

کارگران میخ‌سازی یزد از شهریور سال ۹۲ تاکنون مزد دریافت نکرده‌اند. همچنین پاداش و عیدی آن‌ها از سال ۸۸ تا سال جاری پرداخت نشده است.

محمدحسین خلیلی رییس کانون شوراهای اسلامی استان یزد در گفت‌وگو با ایلنا مدعی شد: کارگران این کارخانه از شهریور سال ۹۲ تاکنون مزد دریافت نکرده‌اند. همچنین پاداش و عیدی آن‌ها از سال ۸۸ تا سال جاری پرداخت نشده است.

این فعال کارگری در ادامه گفت: مدیر این کارخانه به جای مزد و پاداش، به هریک از کارگران علی‌الحساب یک میلیون و پانصد هزار تومان داده است.

به ادعای خلیلی، هیچ‌کدام از کارگران بازنشسته شده، حق سنوات خود را دریافت نکرده‌اند.

این فعال کارگری با این ادعا که بیمه‌های کارگران تنها تا دی ماه سال گذشته پرداخت شده است، گفت: از دی ماه سال گذشته بیمه‌ی هیچ‌کدام از کارگران پرداخت نشده و به نظر می‌رسد لیست‌های بیمه‌ای تأمین اجتماعی تنها حاوی اسم کارگران است و مدیر کارخانه هیچ پولی برای بیمه‌ی کارگران پرداخت نکرده است.

واگذاری معادن ذغال سنگ البرز شرقی به بخش خصوصی

با واگذاری معادن ذغال سنگ البرز شرقی به بخش خصوصی، آینده‌ی شغلی بیش از ۱۴۰۰ کارگر مورد تهدید قرار گرفت.

رحمان عجم، فعال کارگری با اعلام این خبر به ایلنا گفت: سازمان خصوصی‌سازی، سهام شرکت ذغال سنگ البرز



و نبود بهداشت، با شپش‌ها زندگی می‌کنند. شپشی که به خیال ما این روزها به سختی در سر کسی پیدا می‌شود، حالا به راحتی لابه‌لای موهای کودکان چهار پنج ساله‌ی فقیرترین منطقه تهران دیده می‌شود.

کودکان این محله فقر و گرسنگی دارند، محرومیت دارند. در معماری نداشته‌ی خانه‌های این محله که کم از بی‌غوله نیست، حمام جایی ندارد. اگر هم داشته باشد، آنقدر شلوغ و کثیف است که رفتن را به رفتنش ترجیح می‌دهند. دستشویی‌هایشان هم همین وضع را دارد. به جای حمام اتاقی می‌سازند و از خانواده‌ای اجاره می‌گیرند تا خرج موادشان درآید.

حمام رفتن در این محله، داستانی دارد. هر بار باید یک خانواده دور هم جمع شوند، وسایلشان را در کیسه کنند و مسافتی را پیاده بروند تا به حمام برسند. آنها وقت این کارها را ندارند، اگر دو هفته یک بار نوبت به حمام کردنشان برسد خوب است. آنها که حمام دارند، لژنشین محله هستند، هر کسی را هم به خانه‌شان راه نمی‌دهند، فقط فامیل و نزدیکان.

در جمع کوچک کودکان کار لب خط که جمعیت دانشجویی امام علی (ع) برای‌شان «خانه‌ی علم» درست کرده، دختران، موهای بلندی ندارند. خیلی‌ها موهایشان را از ته زده‌اند. اگر رفتارهای دخترانه‌شان نباشد، تفاوتی با پسرها ندارند. روسری‌های گلدار کج و کوله‌شان مدام از سرشان می‌افتد، محکم گره می‌زنند. «زینب روسری تو سرت کن.» صدای مری می‌آید. دیگر کلافه شده. سانشان به روسری سر کردن نمی‌رسد اما چاره‌ای نیست. سرشان پر از شپش است. نباید به دیگران منتقل شود. در همین هفته‌های گذشته دو مریب‌ی علم جمعیت امام علی (ع) که هفته‌ای سه روز برای این کودکان کلاس‌های آموزشی دارند، شپش گرفته‌اند. نمی‌شود کاری کرد. این کودکان آنقدر آویزان مریب‌ها می‌شوند و آنقدر آنها را بغل می‌کنند که نمی‌شود شپش‌ها را کنترل کرد.

از سر و کول هم بالا می‌روند، با همان روسری‌ها. زهره شریفی مددکار جمعیت، «زینب» را صدا می‌زند. لابه‌لای موهایش را نگاه می‌کند. فرق اول را که باز می‌کند، رشک‌ها را می‌بیند. کابینت‌ها را پر کرده‌اند از شامپوهای ضد شپش. یکی به او می‌دهد و شماره تلفنش را روی کاغذی می‌نویسد. «به مادرت بگو به من زنگ بزن.» این راه چاره نیست. مادران این کودکان وضع بدتری دارند. موهای رنگ‌کرده‌ی بلونشان، پر از همین شپش‌هاست. نه کوتاه می‌کنند، نه درمانش. اصلاً برای‌شان مهم نیست. از همین مادر هم به دختر منتقل می‌شود؛ در خانه‌هایی که چندین نفر روی یک بالش و تشک می‌خوابند، جایی که روسری‌ها رد و بدل می‌شود و خاله، دخترخاله، همسایه و ... لباس‌های هم‌دیگر را می‌پوشند.

شرقی را به صورت صددرصد، به بخش خصوصی ذوب آهن اصفهان واگذار کرده است که این موضوع باعث نگرانی و کاهش امنیت شغلی کارگران شده است. عجم ادامه داد: این در حالی است که دولت باید قبل از واگذاری این معدن به بخش خصوصی، به مشکلات کارگران این واحد رسیدگی می‌کرد.

این فعال کارگری در ادامه گفت: تعداد قابل توجهی از کارگران معدن البرز شرقی در شرف بازنشسته شدن با مشاغل سخت و زیان‌آور هستند که کارفرما توان پرداخت سهم چهار درصدی را به تأمین اجتماعی برای بازنشسته شدن آنان ندارد. با این حال تعداد دیگری از کارگران با سوابق بیش از ۲۳ سال، حداقل مدت سه سال از موعد بازنشسته شدنشان می‌گذرد.

گزارش:

گزارشی تکان‌دهنده

از یک محله در تهران

به گزارش ایسنا،
زهره جعفرزاده



سرشان پر از جانور است. جانورهای ریز خاکستری و سفید. یا شپش است، یا تخم‌ش که لابه‌لای موهای نرمشان، جا خوش کرده. تخم‌های سفیدرنگ، چیزی شبیه شوره. جانورانی که زنده‌اند، راه می‌روند، خونشان را می‌مکند و می‌خارند. آنقدر که گاهی سرشان را زخم می‌کند.

خیلی از کودکان کار «لب خط» شپش دارند؛ کودکان کم سن و سال خیابانی آن‌طرف‌تر از میدان «شوش». جایی که چند مرکز مهم تجاری، روزانه میلیاردها تومان کاسب می‌شوند، بدون این‌که بدانند کودکان لب خط، به خاطر فقر



این کارها را جمعیت امام علی (ع) برای‌شان کرده. دوشنبه‌ی هفته‌ی پیش که کارشناس بهداشت آمد، موهای خیلی از دختران را به خاطر همین شپش‌ها کوتاه کرد و سر پسرها را هم از ته تراشیدند. همان روزی که خیلی از بچه‌ها، از حمام کردن فرار کردند

آیدا هم ۱۲ سال دارد. کمی که شالش عقب می‌رود، تخم شپش‌ها از روی ساقه‌ی موهایش خودنمایی می‌کند. موهای پریشانش، کوتاه شده بود اما باز هم فایده‌ای نداشت: "یک بار از شامپوی ضد شپش استفاده کردم، یک بار دیگه هم مونده. اما هنوز خوب نشدم". گردو فروشی می‌کند. دست‌های سیاهش را نشان می‌دهد. خودش همه را می‌شکند و سر چهارراه‌ها می‌فروشد. می‌گوید شپش را از بچه‌های عمه‌اش گرفته: "شامپو می‌زنم، شپش‌ها کم می‌شن، اما وقتی بچه‌های عمه می‌یان، باز هم شپش‌ها زیاد می‌شن. خیلی ناراحتم، پیش دوستام کوچیک شدم".

خانه‌ی آیدا حمام دارد اما می‌گوید: "مادرم اجازه نمی‌ده کسی به خونه‌مون برای حمام کردن بیاد. یک بار فاطمه اومد ازش عفونت گرفتم". این را در گوشه می‌گوید. لایلا هم می‌گوید که عفونت دارد.

فاطمه موهای بلندی دارد. هنوز موردی از شپش روی سرش پیدا نشده اما مشکوک به این بیماری است. آنها حمام ندارند اما خودش می‌گوید: "هر روز موهامو زیر آب می‌شورم". وضع بهداشت محل‌شان اذیتش می‌کند؛ موش‌ها و سوسک‌هایی که از خانه‌های‌شان بالا می‌روند و زباله‌هایی که دیگر جوی آب‌ها را پر کرده‌اند. آنها در محل‌شان حتی سطل زباله هم ندارند. می‌گوید: "همسایه‌هامون همه‌شون شپش دارن". این را با اکراه می‌گوید. فاطمه دستمال و فال می‌فروشد. دخترانی که با او کار می‌کنند هم شپش دارند.

کودکان زیر ۵ سال هم از این شپش‌ها دارند، حتی آنهایی که هنوز کار نمی‌کنند. سپیده، مربی‌شان است. او به کودکان پنج شش ساله آموزش می‌دهد: "یاد دادن رعایت بهداشت فردی به این کودکان سخت است. مجبوریم با شعر و بازی، این مسائل را به آنها آموزش دهیم. مشکل این‌جاست که بیشتر آنها خانواده‌هایی دارند که اصلاً این مسائل را رعایت نمی‌کنند".

کودکان کار لب خط، با همه‌ی این‌ها، باز هم خوشحالند. جانورانی که روی سرشان رژه می‌روند، ذره‌ای از شادی‌شان کم نکرده. آنها می‌دانند چه بیماری‌هایی دارند.

"در این محله از همان اول، بهداشت، محلی از اعراب نداشته". شریفی این‌ها را می‌گوید: "خانواده‌ی این کودکان از چادرنشینی، صحراگردی و خشت‌نشینی کم‌کم به شهرها



SNA

ISNA/PHOTO:HEMMAT KHAHI

در لباس‌ها، ملحفه‌ها و رختخواب‌های این کودکان شپش‌ها جولان می‌دهند. آنها با این جانوران زندگی مسالمت‌آمیز دارند. شپش جزو زندگی معمولی این خانواده‌هاست. این را شریفی می‌گوید.

"زنان این محله موهایشان را بلوند و روشن می‌کنند اما به بهداشت‌شان توجهی نمی‌کنند. فقط شپش هم نیست، عفونت‌های قارچی و بیماری‌های زنانه هم این‌جا بیداد می‌کند." این ماجرا تنها برای مادران و زنان نیست، دختران کم‌سن و سال هم از این بیماری‌ها رنج می‌برند. در گوشه می‌گویند. می‌دانند که نباید همه بدانند.

شریفی از وضع بهداشت شخصی ساکنان این محله ناراحت است: "خیلی از این کودکان حتی لباس زیر به تن ندارند. از ۲۰ نفر، شاید یکی از آنها لباس زیر تنش کرده باشد. به همین خاطر آنها به شدت مستعد بیماری‌ها هستند".

جمعیت امام علی (ع) برای بهداشت زنان و دختران «لب خط»، قرار است طرح مادرانه داشته باشد. به گفته مددکار جمعیت، در کنار بهداشت شخصی، بهداشت اجتماعی در این محله، کاملاً فراموش شده: "توالد خانه‌های‌شان خیلی کثیف و آلوده است. همه‌ی این‌ها باعث انتقال بیماری‌ها می‌شود." همین هم باعث شده که میزان بیماری‌های ویروسی، روزبه‌روز در میان این کودکان زیاد شود؛ کودکان کاری که سر چند چهارراه آن طرف‌تر، گردو و دستمال و فال می‌فروشند. گردو‌هایی که با همان دست‌ها و در همان خانه‌هایی که موش‌ها در آن جولان می‌دهند، شکسته می‌شوند.

رضا، ۱۲ ساله است، شش خواهر و برادر دارد. خانه‌شان حمام ندارد. دو هفته یک‌بار حمام می‌روند؛ حمامی که از هر نفر، ۴ هزار و ۵۰۰ تومان می‌گیرد: "اینجا قبلاً حموم داشت اما از وقتی خرابش کردن، مجبوریم برای حمام به جای دورتری بریم". مادر رضا هم شپش دارد، خواهرانش هم. خودش ولی ندارد. موهایش را از ته زده‌اند.



ساکنان این محله برای‌شان غریبه هستند؛ همان‌ها که ظهر، زیر آفتاب، جلوی در خانه‌های‌شان زیرانداز انداخته و همه چیز را می‌پایند. زنانی با موهای رنگ‌کرده و کلیپس‌هایی که به سان دختران این روزهای شهر، به موهای‌شان فرم داده‌اند. اینجا را خیلی‌ها به فراموشی سپرده‌اند. کارشناسان شهرداری و وزارت بهداشت که سالی یک بار هم آن طرف‌ها پیدایشان نمی‌شود.

همه‌ی اینها بیخ گوش ساکنان خیابان خراسان و ری رخ می‌دهد؛ کسانی که جدای از سکونت در منطقه جنوب شهر، وضع مالی چندان بدی ندارند و خیلی‌های‌شان بازاری‌هایی هستند که وضع مالی خوبی دارند. هیچ‌کس غربتی‌ها را نمی‌خواهد. کسانی که فقر فرهنگی بیشتر از بی‌پولی، خون زندگی‌شان را مثل همان شپش‌ها می‌مکد. شریفی می‌گوید: "لب خط، جزو ناحیه‌ی یک منطقه‌ی ۱۵ شهرداری به شمار می‌رود اما شهرداری این منطقه کم‌ترین توجهی هم به این محله ندارد". جوی‌ها پر از زباله است. تل زباله ته هر کوچه، دیگر بخشی از هویت نداشته‌ی آن شده.

در جوی‌ها همه چیز پیدا می‌شود؛ از سرنگ گرفته تا پوست هندوانه، همه در جوی‌های پرآب و کثیف شناور است. جایی که موش‌ها و سوسک‌ها و هزار جور مگس و حشره‌ی دیگر، روزگار می‌گذرانند. یکی از مغازه‌داران می‌گوید: "هفته‌ی پیش خودمان سم می‌ریختیم، موش‌ها کم شدند". این‌ها را با هزینه‌ی شخصی پرداخت کردند.

ماموران شهرداری همان موقع از راه می‌رسند؛ برای بررسی وضع ساختمانی که در حال بازسازی است و وسایل پنج خانوادگی مستاجرش، در کوچه رها شده. آنها کاری به کثیفی و تعفن ندارند. آنها آمده‌اند مجوز ساخت را ببینند! می‌گویند: "برای این محله نمی‌شود کاری کرد".

ساکنان این محله با همین زباله‌ها و بوی تعفن آن، با انواع بیماری‌های ویروسی و انگلی، با شپش‌ها و عفونت‌ها ... صبح را شب و شب را صبح می‌کنند. آنها هم هر شب، به رسم شب‌های دیگر، سطل‌های کثیف زباله‌شان را در همان جوی‌ها خالی می‌کنند. جوی‌هایی که شاید هفته‌ای یک بار خالی شود. شاید هم نشود.

آمده‌اند. نام خانوادگی خیلی از آنها هم غربتی، چادرنشین و صحراگرد است، به همین علت رعایت مسائل بهداشتی خیلی برای‌شان مهم نیست". خانه‌ی بهداشت، کمی آن طرف‌تر از محله‌ی لب خط است اما هیچ کاری برای آنها نکرده. این مددکار از آنها گلایه دارد: "نه شهرداری منطقه‌ی ۱۵ و نه حتی خانه‌ی بهداشت صفاری، به این محله رسیدگی نمی‌کنند. هر چه شناسایی شده‌اند، کار جمعیت امام علی (ع) بوده."

مجبورند به خاطر شیوع بالای عفونت دستگاه تناسلی در میان دخترها، آموزش‌های جداگانه‌ای به آنها بدهند. آنها مشکلات بهداشتی زیاد دارند. پسرها کمتر شپش دارند. موهای‌شان کوتاه است. کوتاه کوتاه، تقریباً کچلند. دختران به سختی راضی به این کار می‌شوند. آن هم در فرهنگ غربتی‌ها که مو برای‌شان مهم است و دختران‌شان از چهار پنج سالگی موهای‌شان رنگ می‌شود.

مثل مادران‌شان. شریفی از کاری که دوشنبه‌ی هفته‌ی گذشته در خانه‌ی علم لب خط برای این کودکان انجام دادند، صحبت می‌کند: "هفته‌ی پیش این‌جا روز بهداشت داشتیم. دوازده سیزده کودک خانه‌ی علم را که شپش داشتند، حمام بردیم و از شامپوی ضد شپش برای‌شان استفاده کردیم". اینجا ۴۵ کودک دارد. تعدادشان خیلی بیشتر از این‌هاست اما دیگر خانه جایی ندارد. کلاس‌ها پر است: "شاید فقط ۲۰ درصد بچه‌های این‌جا حمام داشته باشند. بقیه حمام بیرون می‌روند".

شریفی این‌ها را می‌گوید و ادامه می‌دهد: "واقعاً نمی‌شود همه‌ی این‌ها را این‌جا حمام کنیم. با این همه باز هم یک روز در هفته، سعی می‌کنیم تا برنامه‌ی بهداشت داشته باشیم". این‌جا گروه بهداشت و درمان دارد؛ کسانی که هفته‌ای یک روز می‌آیند، بهداشت و تغذیه‌ی کودکان را بررسی می‌کنند.

خانه‌ی علم لب خط، نوپاست و پنج شش ماهی بیشتر از راه‌اندازی‌اش نمی‌گذرد. ساختمان دو طبقه‌ی کوچک و تنگ؛ لب خیابان رجب‌نیا. در آبی‌رنگ‌اش زنگ هم ندارد. تمام مخارجش را خیران می‌دهند. حتی پول شامپوهای ضد شوره‌ی ۴ هزار تومانی که دو بار بیشتر نمی‌شود استفاده کرد. خانوادگی کودکان کار، برای این چیزها پول نمی‌دهند. برای‌شان هم مهم نیست. نه فقط شپش که حتی سلامت دختران‌شان. روزی صد، صدو پنجاه هزار تومان درآمد دارند اما خرج موادشان می‌کنند.

اینجا لب خط که نه، ته خط است. با این‌که جایی، خیابانی، کوچه‌ای در دل پایتخت است اما هیچ جایش شبیه شهر نیست. جایی که روزانه هزاران نفر از جلوی آن گذر می‌کنند اما جرأت ورود به آنجا را ندارند.